

The Function of "Social Monotheism" in the Philosophy of Interpretation (of the Qur'an)

Mohammad Arab Salehi¹

Farideh Pishwaei²

Received: 08/04/2023

Accepted: 27/10/2023



Abstract

Social monotheism, in terms of its belief-social identity, has important functions in the philosophies of Mozaf to the sciences and as a result of their transformation, of which the philosophy of interpretation is one of them. The importance of discussing philosophy of interpretation is in the necessity of responding to newly emerging social doubts and the inadequacy of religious monotheism with its common concept in relation to these doubts, the frequency of social verses and the rule of the spirit of monotheism over the Qur'an. The present article, which aims to explain the function of social monotheism on the philosophy of this science with an analytical-argumentative approach, shows that the result of the social examination of monotheism is effective in better identifying God as the source of the Qur'an, and by inducing a social approach to God's attributes, including his knowledge, wisdom, creativity, and supervision, it will give a new social direction to the interpretation of the verses related to God's names and attributes. The correct understanding of the structure of society

1. Associate Professor, Department of Logic of Understanding Religion, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. Arabsalehi@iict.ac.ir.

2. Level Four (PhD) in comparative interpretation, Masoomiyah Higher Education Institute, Qom, Iran (corresponding author). f.pishvae@ite.ir.

* Arab Salehi, M., & Pishwaei, F. (1401 AP). The Function of "Social Monotheism" in the Philosophy of Interpretation (of the Qur'an), *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 4(14), pp. 185-209.

DOI: 10.22081/jqss.2023.66276.1256

and the space of the time of revelation and the correct understanding of the verses related to that time, such as the concept of worship and the interpretation of the verses related to it, is the function of social monotheism in the foundations of the science of interpretation. Via the social examination of monotheism, a new logic is developed in the understanding of the produced verses and the realm of mediation of the Qur'anic verses, and the potential of this science is revealed in the authority of human sciences and the weakness of Sufi or liberal interpretations. Therefore, it is possible to suggest the trend of social interpretation focusing on social monotheism. Bringing the Qur'an to the public scene and interpreting it in line with the objective needs of the social life of the time and laying the groundwork for expanding the transcendental concept of Qur'anic monotheism in the body of life and turning the Qur'an into a way of social life based on the monotheistic verses are the changes that are created in interpretation.

Keywords

Social monotheism, Science of interpretation, philosophy, philosophy of interpretation, function, The Qur'

وظيفة "التوحيد الاجتماعي" في فلسفة علم التفسير

محمد عرب صالح^١ فريدة بيشوايي^٢

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٣ / ٠٤ / ٠٨ تاريخ القبول: ٢٠٢٣ / ١٠ / ٢٧



الملخص

إن للتوحيد الاجتماعي، من حيث هويته الاعتقادية الاجتماعية، وظائف مهمة في الفلسفات المضافة إلى العلوم وفي تحولها، والتي تعد فلسفة علم التفسير إحداها. وتكمن أهمية الدراسة حول فلسفة علم التفسير في ضرورة الرد على الشكوك الاجتماعية الناشئة وعدم كفاية التوحيد الديني بمفهومه المشترك فيما يتعلق بهذه الشكوك، وكثرة الآيات الاجتماعية وسلطة روح التوحيد على القرآن. إن هذا المقال، الذي يهدف إلى شرح وظيفة التوحيد الاجتماعي في فلسفة هذا العلم، منظماً بمنهج تحليلي-وصفي، يوضح أن نتيجة القراءة الاجتماعية للتوحيد فعالة في التعرف بشكل أفضل على الله كمصدر للقرآن ومن خلال إحداث منهج اجتماعي لصفات الله بما في ذلك علمه وحكمته وخلقه وعنايته، فإنه سيعطي اتجاهها اجتماعياً جديداً لتفسير الآيات المتعلقة بأسماء الله وصفاته. ومن المؤكد أن الفهم الصحيح لبنية المجتمع وفضاء زمن نزول الوحي والفهم الصحيح للآيات المتعلقة بذلك الزمن، مثل مفهوم العبادة وتفسير الآيات المتعلقة بها، هي وظيفة التوحيد الاجتماعي في أصول علم التفسير. ومع القراءة الاجتماعية للتوحيد يتم الكشف عن منطوق جديد في فهم الآيات ويتسع نطاق الآيات القرآنية اللاهوتية وتتجلى سعة هذا العلم في سلطة علي العلوم الإنسانية وضعف التأويلات الصوفية أو الليبرالية. لذلك، من

١. أستاذ مشارك في قسم منطق فهم الدين، معهد "فرهنگ و اندیشه اسلامی" (الثقافة والفكر الإسلامي)، قم، إيران. Arabsalehi@iict.ac.ir

٢. المستوى الرابع في مجال التفسير المقارن، معهد المعصومية الحوزوية للتعليم العالي، قم، إيران (الكاتب المسؤول). f.pishvae@dtc.ac.ir

*عرب صالحی، محمد، بيشوايي، فريده. (٢٠٢٣). وظيفة "التوحيد الاجتماعي" في فلسفة علم التفسير. فصلية علمية-ترويجية مطالعات علوم قرآن (دراسات علوم القرآن)، ٤ (١٤)، صص ١٨٥-٢٠٩.

الممكن اقتراح خلق اتجاه في التفسير الاجتماعي يتمحور حول التوحيد الاجتماعي. تقديم القرآن وتفسيره في الساحة الاجتماعية، بما يتماشى مع الاحتياجات الموضوعية للحياة الاجتماعية المعاصرة، ووضع الأساس لتوسيع المفهوم السامي للتوحيد القرآني في هيكل الحياة وتحويل القرآن إلى أسلوب الحياة الاجتماعية المبني على الآيات التوحيدية هي التغيرات التي يتم إحداثها كنتيجة لعلم التفسير.

المفردات المفتاحية

التوحيد الاجتماعي، علم التفسير، فلسفة علم التفسير، الوظيفة، القرآن.

کارکرد «توحید اجتماعی» در فلسفه دانش تفسیر

محمد عرب صالحی^۱ فریده پیشوایی^۲
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

چکیده

توحید اجتماعی به لحاظ هویت اعتقادی-اجتماعی اش، کارکردهای مهمی در فلسفه‌های مضاف به علوم و در نتیجه تحول آنها دارد که فلسفه دانش تفسیر از زمره آنهاست. اهمیت بحث از فلسفه دانش تفسیر، در ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات نوپدید اجتماعی و نارسایی توحید اعتقادی با مفهوم رایج آن در قبال این شبهات، بسامد آیات اجتماعی و حاکمیت روح توحید بر قرآن است. مقاله حاضر که با هدف تبیین کارکرد توحید اجتماعی بر فلسفه این دانش با رویکرد تحلیلی-استدلالی سامان یافته، نشان می‌دهد برآیند خوانش اجتماعی از توحید در شناسایی بهتر خداوند به‌عنوان مصدر قرآن موثر است و با القاء رویکرد اجتماعی به صفات خداوند از جمله علم، حکمت، خالقیت و ناظر بودن او، به تفسیر آیات مرتبط با اسما و صفات خداوند جهت جدید اجتماعی خواهد داد. شناخت درست ساختار جامعه و فضای زمان نزول و فهم صحیح آیات ناظر به آن زمان مانند مفهوم عبادت و تفسیر آیات مرتبط با آن، کارکرد توحید اجتماعی در مبادی دانش تفسیر است. با خوانش اجتماعی از توحید، منطبق جدیدی در فهم آیات تولید شده و قلمرو دلالتی آیات قرآن توسعه می‌یابد و ظرفیت این دانش در مرجعیت علوم انسانی و ضعف تفاسیر صوفیانه یا لیبرال آشکار می‌شود. براین اساس می‌توان پیشنهاد گرایش تفسیر اجتماعی با محوریت توحید اجتماعی را داد. به صحنه اجتماع آوردن قرآن و تفسیر آن همسو با نیازهای عینی زندگی اجتماعی زمانه و زمینه‌سازی برای گسترش مفهوم متعالی توحید قرآنی در بدنه زندگی و تبدیل قرآن به روش زندگی اجتماعی براساس آیات توحیدی تغییراتی است که در نهایت دانش تفسیر ایجاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها

توحید اجتماعی، دانش تفسیر، فلسفه دانش تفسیر، کارکرد، قرآن.

۱. دانشیار گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. Arabsalehi@iict.ac.ir
 ۲. سطح چهار تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). f.pishvae@dtc.ir
 * عرب صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده. (۱۴۰۱). کارکرد «توحید اجتماعی» در فلسفه دانش تفسیر. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۴(۱۴)، صص ۱۸۵-۲۰۹.
 DOI: 10.22081/jqss.2023.66276.1256



مقدمه

توحید اجتماعی که خوانش اجتماعی از توحید به عنوان مبنایی ترین اصل معارف اسلامی است، این اصل را در تمام ساحت‌های زندگی انسان به ویژه ساحت اجتماع، نظام‌های اجتماعی و ساختار جامعه سرپا می‌دهد و به همه چیز رنگ و بوی خدایی می‌بخشد. «توحید اجتماعی» یک ترکیب وصفی است که حکایت دارد اجتماعی بودن، وصف توحید است، نه اضافه و عارض بر آن. توحید اجتماعی در قبال توحید نظری فلسفی و عرفانی مصطلح که تنها نگاه نظری و اعتقادی به توحید دارد، قرار می‌گیرد و منظور از آن خوانش اجتماعی و کل‌نگر از توحید است. با توجه به دوضلعی بودن توحید، یعنی تأکید بر نفی مطلق هر اله و معبودی غیر از خداوند و اثبات یگانگی مطلق او، توحید اجتماعی یعنی جاری شدن این دو مقوله در کل امور فردی و اجتماعی و در تمام روابط داخلی و خارجی انسان‌ها، که لزوماً از مقتضای ایمان و اعتقاد نظری آحاد مردم به دست نمی‌آید.^۱ این خوانش از توحید، علاوه بر نتایج عینی و عملی، مانند تأمین مبنای نظری تحقق جامعه توحیدی، کارکردهای مختلفی در حوزه دانش به ویژه در علوم اسلامی دارد و وفق جدیدی در این دسته از علوم می‌گشاید. به جهت گستردگی کارکردهای توحید اجتماعی در علوم، هدف این مقاله به صورت خاص تبیین کارکرد توحید اجتماعی در فلسفه دانش تفسیر است. تحلیل این امر بر دو مقدمه «بسامد آیات اجتماعی» و «حاکمیت روح توحید بر کل قرآن» استوار است. توضیح آن که بخشی از احکام و تعالیم اسلام و قرآن به گونه‌ای است که اجرا و اقامه آنها بدون شکل‌گیری جامعه و حضور مردم در عرصه اجتماعی، مقدور و آسان نیست، نظیر جهاد، حج، نماز جمعه، ادای امانت، امر به معروف و نهی از منکر. این دسته از تعالیم اسلامی تنها اجتماعی‌اند؛ همچنین در برخی تعالیم اسلام و قرآن به اجتماع تصریح نشده است، ولی

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: عرب‌صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده. (۱۴۰۱). توحید اجتماعی، ماهیت، تعریف و نسبت آن با توحید اعتقادی. فصلنامه قیسات، ۲۷(۱۰۴)، صص ۹۹-۱۲۴ و عرب‌صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده. (۱۴۰۱). تحلیل معنای توحید اجتماعی از رهگذر تبیین مولفه‌های آن در قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای. فصلنامه مطالعات تفسیری و معناشناختی قرآنی مفتاح، ش ۱۵، صص ۲۵-۵۰.

شارع نامستقیم حضور مردم را لازم شمرده است، مانند نماز جماعت، رسیدگی به مشکلات دیگران، عیادت بیماران، برآوردن حاجات مسلمانان، پرهیز از تعاون بر اثم و عدوان، تعاون بر قسط و عدل، تشییع جنازه، دادن قرض الحسنه به یکدیگر و بسیاری از امور و احکام اخلاقی که تجلی و ظهور آن‌ها فقط در جامعه است. نیز دستورها و تعالیم کلی اسلام و قرآن یعنی خطوط کلی اسلام، مهم‌ترین بخش دین است که اجتماعی است. اجتماعی بودن خطوط اصلی و کلی دین بدین معناست که بر مبنای فطرت انسانی، اساس اسلام، اجتماعی یعنی در جامعه اجراشدنی است. گذشته از اینکه بخش عظیمی از اصول و کلیات دین، اجتماعی است و جنبه‌های عبادی و اخلاقی آن نیز در این راستا تشریح شده‌اند. به گفته برخی مفسران معاصر، نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است! از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را دربردارد، سه چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان درباره پروردگار است. مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است، بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، سیاست و تدبیر جامعه است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، صص ۲۱۳-۲۱۷). از مرحوم علامه معرفت هم در همایش بزرگداشت ایشان نقل شد که از نظر ایشان حدود هفتاد درصد آیات قرآن، آیات اجتماعی است و نگارندگان این مقاله هم در یک آمارگیری تا جزء هفده قرآن به این نتیجه رسیدند که تا این جای قرآن بیش از هشتاد درصد آیات قرآن اجتماعی است که با توجه به این نکته که در بخش‌های پایانی قرآن آیات فردی فزونی می‌یابد، به طبع همان نظر منقول از علامه معرفت رحمته درست خواهد بود.

از سوی دیگر براساس زبان خداوند در قرآن زبان توحید بوده و روح توحید ناب و نفی عبودیت غیرخدا بر تمام آیات حاکم است و در سراسر قرآن عمومیت مشیت الهی دیده می‌شود. نیز بررسی آیات قرآن، نشان‌دهنده فراوانی آیات ناظر به توحید با رویکرد اجتماعی است. نکته مهم آنکه بیشتر این آیات مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با اصل توحید و حول محور یگانگی الله در ربوبیت و پرستش است، حتی برخی اندیشمندان قائلند غایت نهایی در عموم آیات قرآن، توحید است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۵۴)

و هیچ مسئله‌ای به اندازه مقوله مبداء و توحید، مصب اهتمام قرآن و ادبیات دینی اسلامی نیست. در متون مقدس اسلامی به لحاظ فراوانی الفاظ و بسامد واژه‌ها و نیز از حیث ژرفا و گستره معنایی، بزرگ‌ترین حجم و سهم لفظی و معنوی را همین مبحث به خود اختصاص داده و بعثت محمدی دستاوردی عظیم‌تر و انبوه‌تر و باشکوه‌تر از توحید ناب اسلامی نداشته است (رشاد، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲). افزون بر آن بسیاری از اوامر و نواهی الهی خطاب‌های جمعی به مومنان یا همان موحدان است.

توجه به این مقدمه و نیز در نظر گرفتن این اصل کلی که زبان خدا در قرآن توحید است و همه چیز را به خود نسبت می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۴۱۰)، حاکی از ضرورت تحلیل نقش فهم اجتماعی از توحید در دانش تفسیر قرآن است که طبیعتاً باید در فلسفه این دانش پیگیری شود. استاد مطهری معتقد است:

قرآن کتاب توحیدی عجیبی است، یعنی همیشه بشر را از شرک دور می‌کند و این را که کسی خیال کند در عالم حادثه‌ای رخ می‌دهد که از علم یا قدرت یا مشیت خدا بیرون باشد، هرگز نمی‌پذیرد. این است که می‌بینیم عبارت «من یشاء» یا «ما یشاء» (آنچه خدا بخواهد) در قرآن زیاد به چشم می‌خورد، جز آنچه خدا بخواهد چیز دیگری در عالم واقع نمی‌شود. یک مسلمان اگر به قرآن اعتقاد دارد، باید این طور معتقد باشد که چیزی که خدا نخواهد در عالم واقع نمی‌شود، پس هر چه واقع می‌شود، به مشیت خدا واقع می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ص ۲۹۶). دأب توحید قرآن و توحید اسلام و اصلاً حقیقت توحید این است: همه چیز از خدا و به سوی خداست؛ و معنی توحید از نظر عالم این است که همه عالم ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد: مِنْكَ وَ بِكَ وَ لَكَ وَ إِلَيْكَ؛ همه چیز از تو و به تو [و برای تو] و به سوی تو (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۸، ص ۶۶۲).

براین اساس، این مقاله در پی اثبات این فرضیه است که خوانش اجتماعی از اصل اعتقادی توحید در مباحث پیشینی و مبنایی دانش تفسیر تاثیرگذار بوده و تحول قابل اعتنایی در این دانش ایجاد می‌کند. برای نمونه، مؤمنان یا همان موحدان خداپرست، در برابر رزق الهی امر به ادای شکر خداوند شدند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا

رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (بقره، ۱۷۲) با خوانش اجتماعی از توحید، افزون بر سپاسگزاری و شکر قلبی و زبانی در برابر نعمات فردی خداوند، با در نظر گرفتن مصادیق متعدد از رزق طیبه الهی، شکر خداوند می‌تواند امتداد اجتماعی یابد و شامل رزق الهی در روابط، تعاملات، مناسبات خانوادگی و اجتماعی و حتی در سطوح کلان جامعه مانند حکومت ولایی شود. با این رویکرد به توحید، از آیه شریفه شکر اجتماعی استنباط می‌شود که مصداقی از تفسیر با گرایش اجتماعی و محوریت توحید است. نمونه دیگر تعبیر «مَحْيَايَ» در آیه شریفه «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲) است که هیچ قید و شرطی ندارد. با رویکرد اجتماعی به توحید، انحصار حضور خداوند در بُعد فردی زندگی انسان و یا اعتقاد قلبی صرف به رب العالمین نفی شده و به دنبال آن جهت‌گیری ساحت اجتماعی زندگی انسان به سوی خداوند نیز فهم می‌شود، یعنی انسان در تمام شئون و مسائل اجتماعی نیز جز خدا را مقابل خود نبیند.

۱۹۱

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

کاربرد «توحید اجتماعی» در فلسفه دانش تقصیر

همچنین ثمره این بحث در رفع شبهات و آشکار شدن ظرفیت این دانش در پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید اجتماعی مشاهده خواهد شد. برای مثال آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف، ۹۶) می‌فرماید: «اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی آنها حق را تکذیب کردند، ما هم آنان را به کفر اعمالشان مجازات کردیم؛ یعنی اگر مردمان شهرها، همگی موحدانه می‌زیستند و ایمان واقعی به خدا داشته، تقوا را رعایت می‌کردند، درهای رحمت الهی به‌سوی آنان گشوده می‌شد. فهم اجتماعی از توحید به این شبهه پاسخ می‌دهد که چرا همه وعده‌های قرآن در مورد مسلمانان و یا کشورهای اسلامی و حتی عاملین به آموزه‌های دین اسلام محقق نشده است و یا بنابر آنچه در این آیه آمده است، خبری از ریزش برکات آسمان و زمین نیست؟ لازمه این امر، تقوای اجتماعی و عمومی در سطح کلان جامعه در تمام ابعاد فردی و اجتماعی و به دنبال آن اجرای دستورات شریعت است، که ایمان و تقوای قلبی صرف برای ریزش برکات

آسمان و زمین کافی نیست. در این آیه توحید و ایمان به خداوند به عنوان یک امر اجتماعی لحاظ شده است، نه یک امر قلبی فردی؛ زیرا از کاربرد «أَهْلَ الْقُرَى» و تعبیر «آمَنُوا وَاتَّقُوا» فهمیده می‌شود که اولاً، التزام همگانی به تقوا و توحید است که چنین تاثیر شگرفی دارد، چراکه تقوای یک فرد یا یک قوم یا حتی یک کشور خالی از آثار مثبت اقتصادی نیست، و این به تجربه ثابت شده است؛ اما آن تاثیر شگرفی که در آیه آمده، بر آن مترتب نمی‌شود؛ ثانیاً، از آنجا که اطلاق آیه شامل رعایت لوازم ایمان و تقوا در تمامی وظایف فردی و روابط اجتماعی می‌شود، هنگامی که توحید به معنای واقعی کلمه در تمام زوایای زندگی اجتماعی و فردی نفوذ و رسوخ داشته باشد، زمینه برای تحقق کامل وعده‌های الهی فراهم خواهد شد، همچنان که روایات از تحقق مدینه فاضله و گشایش در تمام امور در زمان ظهور آخرین حجت الهی بر روی زمین خیر داده‌اند.

در پیشینه این بحث گفتنی است در لابلای آثار و کتاب‌های مرتبط به دانش تفسیر به مباحث کلی مانند مبانی، پیش فرض‌ها، احکام، قواعد و روش تفسیری به تفصیل پرداخته شده است؛ در برخی تک نگاره‌ها هم نقش پیش فرض‌ها و مبانی کلامی در فهم و تفسیر آیات قرآن مانند بحث رویت خدا بررسی شده است (نک: نصیری، ۱۳۸۵، صص ۵۵-۷۲)؛ اما در جستجوی به عمل آمده پژوهشی که به تاثیر توحید اجتماعی و مهم‌ترین متغیر علم کلام در دانش تفسیر پرداخته باشد، یافت نشد.

۱. معنایابی واژه‌های کلیدی

تبیین معنای عملیاتی واژه‌های کلیدی مقاله در رساندن مقصود نویسندگان و تحلیل‌های پیش رو ضروری است:

۱-۱. دانش تفسیر

در معنای اصطلاحی تفسیر، تعریف‌های مختلفی وجود دارد. در دسته‌ای از آن تعاریف، تفسیر «به عنوان کاری که مفسر در مورد بیان معانی آیات و کشف مقاصد و

مدلول آیات انجام می‌دهد» (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴) معنا شده که ناظر به تلاش فکری و علمی مفسر است. بیشتر مفسران نیز این واژه را ذیل آیه ۳۳ سوره فرقان (و لا یأثونک بمثلِ إلا حیناک بالحقِّ و أحسنَ تفسیراً) معادل معناهایی نظیر بیان و تفصیل، کشف دلالت کلام، کشف معنای پوشیده و معنای کلام، قرار می‌دهند (نک: بغوی شافعی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۴۵؛ زمخشری، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۶۶؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۴۵۷ و آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۱۶).

در دسته‌ای دیگر در نگاهی دقیق «تفسیر به‌عنوان یک دانش» تعریف شده است (نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، صص ۴۲۸-۴۲۹ و ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴). برای مثال ابوحنیفه اندلسی از تفسیر قرآن به‌عنوان دانشی یاد می‌کند که درباره چگونگی مدلول‌ها و احکام فردی و ترکیبی و معانی الفاظ قرآن سخن می‌گوید (نک: ابوحنیفه، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۳). طریحی و زرکشی نیز در زمره این گروه‌هاند. طریحی تفسیر را دانشی می‌داند که در آن از کلام و معجزه خداوند، برای دلالت بر منظور وی گفتگو می‌شود و قید اعجاز، تفسیر قرآن را از بحث درباره حدیث قدسی جدا می‌سازد (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۳۸). زرکشی نیز تفسیر را دانشی می‌داند که به واسطه آن، فهم و معانی و احکام کتاب خداوند که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده از روش علم لغت و نحو و صرف و بیان اصول فقه و قرائات، و اسباب نزول و ناسخ و منسوخ به دست می‌آید (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۵).

از مجموع این دو دیدگاه، تعریف تفسیر به دانش در دیدگاه دوم به صواب نزدیک‌تر است. در این رویکرد تفسیر، دانشی است که کشف و پرده‌برداری از کلام و حیاتی خداوند را بر اساس اصول و ضوابط مشخص به منظور کسب سعادت دنیوی و اخروی عهده‌دار است.

۲-۱. فلسفه مضاف و فلسفه دانش تفسیر

با توجه به تعریف اخیر، فلسفه دانش تفسیر از سنخ فلسفه‌های مضاف است. توضیح اینکه فلسفه‌های مضاف به دو گروه «فلسفه‌های مضاف به علم‌ها» و «فلسفه‌های مضاف

به غیر علم‌ها»، یا «فلسفه‌های مضاف به علوم» و «فلسفه‌های مضاف به امور» تقسیم می‌شوند. در این تقسیم‌بندی گاه متعلق فلسفه، «علم» است و گاه «امر» (ر.ک: رشاد، ۱۳۸۵، صص ۹-۱۰) منظور از فلسفه علوم که فلسفه دانش تفسیر از زمره آن به شمار می‌رود، دانش فرانگراانه وصفی-تحلیلی رشته علمی است. خصائل ذاتی فلسفه‌های مضاف، هویت تماشاگرانه و برون‌نگر و نه بازی‌نگراانه و درون‌نگر، نقش قضایی و نه فتوایی، کل‌انگاری و نظام‌واره‌نگری و نه جزءبینی و مسئله‌محوری است (خسروپناه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴). بر این اساس فلسفه تفسیر، دانشی است که با نگاهی از بیرون به علم تفسیر می‌پردازد. این دانش با ارائه مولفه‌های دخیل در تفسیر در پی کشف کاستی‌ها و آسیب‌های علم تفسیر است تا از این روش بتواند به ضابطه‌مندی هرچه بیشتر تفسیر کمک کند؛ همچنین دانش فلسفه تفسیر به ما کمک می‌کند تا روش مناسب برای تفسیر از میان روش‌های متداول برگزینیم یا از روش‌های ترکیبی استفاده کنیم یا به ابداع روش نو پردازیم (خسروپناه، ۱۳۸۵، فلسفه تفسیر خدابخشان، ج ۱، صص ۱۹۹-۲۰۰) فلسفه تفسیر نگاهی فرانگرا، کلی و بیرونی به دانش تفسیر، مبانی و مبادی، موضوع و غایات آن دارد و با طرح پرسش‌های کلان و بنیادین با رویکرد توصیه‌ای و روش عقلانی به تحلیل آن دانش می‌پردازد. بنابر توضیحاتی پیش گفته، در مقاله حاضر کارکرد خوانش اجتماعی از توحید به‌عنوان متغیر مستقل، در فلسفه دانش تفسیر در محورهایی مانند موضوع دانش تفسیر، مبانی و مبادی دانش تفسیر، پیش‌فرض‌های مفسر، گرایش و نهایت علم تفسیر بررسی خواهد شد.

۲. توحید اجتماعی و تفاوت آن با توحید اعتقادی

پیش از ورود به بحث، لازم است درباره ماهیت توحید اجتماعی و نسبت آن با توحید اعتقادی توضیحی ارائه شود. توحید اجتماعی که بر پایه توحید اعتقادی شکل می‌گیرد، شاخه‌ای از علم توحید بوده که حاصل فهم اجتماعی از توحید و رویکرد اجتماعی به آن است و منظور این است که توحید، افزون بر جنبه فردی-اعتقادی، از مقولاتی با هویت اجتماعی به شمار می‌رود و هرگونه اطاعت از غیرخدا را روا نمی‌داند. این معنا از

توحید در آثار نواندیشان مسلمان معاصر به‌ویژه اندیشه متفکر معاصر آیت الله خامنه‌ای قابل پیگیری است. ایشان در رساله‌ای پیش از انقلاب در مجموعه سخنرانی‌های خود که تحت عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» منتشر شده و نیز در کتابچه روح توحید، نفی عبودیت غیرخدا و بیاناتشان در دهه‌های بعدی، توحید را با صبغه اجتماعی تحلیل و تبیین کرده‌اند.

از این منظر، توحید علاوه بر داشتن سویه اعتقادی، به‌مثابه یک طرح، الگوی عمل‌زا و تحول‌آفرین و مؤثر در تمام ابعاد زندگی انسان و جوامع بشری، فهم می‌شود. توحید اجتماعی براساس دو بخش شعار «لا اله الا الله» که مرکب از جنبه سلبی و ایجابی است، همه چیز را توحیدی می‌کند و منطقه‌ای از زندگی نیست که توحید در آن عاملیت یا نفوذ نداشته باشد؛ به این صورت که در رویکردی اثباتی، تمام ساحت‌های زندگی را قلمرو اراده خداوند و حکم او قرار داده و در نقطه مقابل با نگاهی سلبی، هیچ چیز غیر از او را لایق اطاعت و تبعیت و تاثیرگذاری نمی‌داند و غیر او را منشاء طراحی برنامه‌های زندگی قرار نمی‌دهد. آیت الله خامنه‌ای در تشریح ماهیت اجتماعی توحید می‌فرماید:

توحید تنها نظریه‌ای فلسفی و ذهنی و غیرعملی نیست که به هیچ وجه کار به سیاه و سفید زندگی نداشته باشد و دست به ترکیب اجتماعات بشری نزند و در تعیین جهت‌گیری‌های انسان و تلاش و عمل بایسته او دخالت نکند و فقط به این اکتفاء نماید که باوری را از مردم بازگیرد و باوری دیگر به جای آن بنشاند، بلکه از سویی یک جهان‌بینی است... و از سویی دیگر یک دکترین اجتماعی است؛ طرح و ترسیمی است از شکل محیط متناسب انسان، محیطی که وی می‌تواند در آن به سهولت و سرعت رشد کند و به تعالی و کمال ویژه خود نایل آید؛ پیشنهاد قواره و قالبی مخصوص است برای جامعه با تعیین خطوط اصلی و اصول بنیانی آن (خامنه‌ای، ۱۳۵۳، ص ۶۸).

بنابراین آنچه گذشت، تفاوت توحید اجتماعی با توحید اعتقادی در محورهای زیر قابل دسته‌بندی است:

الف) توحید اجتماعی کل‌نگر و اجتماع‌محور است و بر پایه اجرایی شدن توحید و

ملزوماتش در زندگی معنا می‌شود، ولی توحید اعتقادی، بیشتر به باورها و منش‌های فردی اکتفاء کرده و به نوعی درصدد پیاده کردن توحید در تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان نیست.

ب) طبیعت و ماهیت توحید اجتماعی پویایی و عمل‌زایی است، ولی در توحید اعتقادی، اصل، باور ذهنی - فردی است که البته می‌تواند در زندگی انسان کارکردهای عملی و اجتماعی هم داشته باشد، اما کارکردهای علمی و عملی توحید اجتماعی هیچ‌گاه از توحید اعتقادی صرف حاصل نخواهد شد.

ج) توحید اجتماعی پس از توحید اعتقادی تحقق یافته و امتداد و توسعه و تسری همه‌جانبه آن در زندگی انسان است. در پرتو توحید اجتماعی است که وظایف یکایک افراد هم به صورت کامل‌تر مشخص می‌شود.

د) توحید اجتماعی هرگونه خدایی، سیادت و فرمانروایی اعم از حاکمیت سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی معبودانی غیر الله را به چالش می‌کشد و با هیچ رقیبی برای خدا نمی‌سازد، ولی توحید اعتقادی لزوماً با حکومت‌های غیرالهی سرچنگ ندارد، به همین دلیل حکومت‌های طاغوتی هم بیشتر با اعتقادات فردی که امتداد سیاسی نداشته باشند، مخالفی ندارند.

۳. تبیین دقیق‌تر خصوصیات مصدر قرآن و جهت‌دهی اجتماعی به آیات، اسماء و صفات خداوند

اگر موضوع دانش تفسیر را کلام خداوند و شرح آن بدانیم، تبیین هویت و حقیقت اجتماعی توحید در قرآن، در شناسایی بهتر خداوند به‌عنوان مصدر قرآن و جهت‌دهی اجتماعی به آیات مرتبط با اسماء و صفات خداوند موثر است؛ زیرا در مبادی صدوری دانش تفسیر معتقدیم لفظ و معنای قرآن هر دو از خداوند صادر شده و قرآن، تمام و کمال وحیانی و کلام مستقیم خداوند است. براین اساس کارکرد توحید اجتماعی در نوع نگاه و تعریف ما از صاحب این کلام و ویژگی‌های او و گستره جامعیت کلامش خواهد بود؛ توضیح آن که توحید اجتماعی، توحیدی رهایی‌بخش است؛ یعنی آزاد شدن

از قید هرگونه بندگی و اسارت غیرخدا، و تنها الله را به یگانگی شناختن و به یگانگی پرستش کردن و عبودیت مطلق او را پذیرفتن؛ زیرا تنها خداوند است که غنی محض بوده و غیر او در عینیت و وجود و در تمام امور وابسته به او و فقیر محض هستند، بنابراین تنها او شایسته پرستش است، چنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَيَّ اللَّهُ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدایید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است!» (فاطر، ۱۵).

توحید اجتماعی خداوند و اراده او را از حصار بُعد فردی زندگی انسان خارج کرده و نشان می‌دهد که این نیازمندی به خداوند و رجوع به او در تمام ابعاد و اضلاع و سطوح فردی و اجتماعی زندگی است و اوست که تنها برطرف کننده تمام نیازهای انسان بدون هیچ قید و شرطی می‌باشد. این امر به اسماء و صفات خداوند حیثیت اجتماعی می‌بخشد و آنها را از قالب نظریات صرف اعتقادی و یا قیل و قال‌های فلسفی خارج می‌سازد. اگر خداوند عالم است، صفت علم او از روش سخنان و حیانی او باید در تمام تنوری‌های علمی ناظر به علوم انسانی جریان می‌یابد و در این حوزه هرگونه علمی که متعبد و متکی به وحی نباشد، مردود است. اگر خداوند حکیم است، صفت حکمت او در تمامی اوامر و نواهی اجتماعی جاری، و فعل او مرجع تمام حکمت‌ها و مصلحت‌ها خواهد بود. اگر خداوند خالق است، پس آگاه به تمام جنبه‌های زندگی انسان است، بنابراین، اداره زندگی سیاسی و اجتماعی انسان که اهمیتش بیشتر از بعد فردی زندگی اوست، تنها باید مطابق رضای او و به امر و خواست خداوند واگذار شود و جامعه و سنت‌های اجتماعی تحت اراده اوست که دست‌خوش تغییر خواهند شد. اگر خداوند مراقب و ناظر است، این حضور و مراقبه در ساحت‌های زندگی اجتماعی و عملکردهای اجتماعی انسان نیز خواهد بود و انسان نتیجه این دسته از اعمال را هم خواهد دید.

این امر، تحول قابل توجهی در تفسیر این دسته آیات ایجاد خواهد کرد و به آن امتداد اجتماعی خواهد بخشید.

۴. نقش توحید اجتماعی در مبادی دانش تفسیر

تحلیل هویت اجتماعی توحید در مباحث پیشینی و مقدماتی دانش تفسیر کارکردهای زیر را در پی خواهد داشت:

۴-۱. شناخت دقیق ساختار جامعه و فضای عصر نزول و فهم صحیح آیات ناظر به آن زمان

بنابر گزارش‌های موثق تاریخی، پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نزول قرآن و اعلان عمومی دین اسلام در جزیره العرب، از روزی که حضرت بت‌ها را با صراحت و قاطعیت نفی کرد، مشرکان قریش به خشم درآمده و به جبهه‌بندی و مخالفت برخاستند. آنها از تمام حربیه‌های موجود اعم از تطمیع و تهدید علیه این آیین جدید و آورنده آن استفاده کردند. فهم اجتماعی از توحید علت این میزان از جبهه‌گیری علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن را روشن و مستدل کرده و مفسر را به شناخت دقیق‌تر خصوصیات اجتماعی آن زمان که بستر نزول آیات، و به طور طبیعی یکی از منابع اصلی مفسر در تفسیر آیات قرآن است، رهنمون خواهد ساخت و تفسیری متقن‌تر از آیات ناظر به آن زمان به دست خواهد داد.

اگر توحید را با خوانشی اجتماعی منادی نظام اجتماعی توحید و نفی تسلط طواغیت بدانیم، علت این جبهه‌گیری و گرفتن موضع از سوی اشراف و سران قریش در جامعه‌ای که ساختار قبیله‌ای بر آن حاکم بوده، آشکار می‌شود. توضیح آن که با توجه به قدرت و نفوذ و موقعیت والای قریش در مکه به جهت تجارت و کلیدداری کعبه، این قبیله قدرت اقتصادی و اجتماعی مکه را در انحصار خویش درآورده بود و هیچ رقیبی را تحمل نمی‌کرد و به کسی اجازه نمی‌داد بدون موافقت و برخلاف میل این قبیله رفتار کند. قریش از دیگران باج می‌گرفت و با آنان با تبعیض، رفتار و سیاست خود را به زائران خانه خدا تحمیل می‌کرد (نک: پیشوایی، ۱۳۹۷، صص ۱۵۰-۱۵۲). در نقطه مقابل توحید ناب که هویتی اجتماعی دارد، بیش از هر چیز با بردگی و بهره‌کشی ظالمانه از طبقات محروم جامعه و بهره‌دهی و فرمانبری و کرنش مستضعفان در مقابل مستکبران جامعه و منافع‌شان در تضاد بود و این همان خوانش اجتماعی از توحید و نفوذ آن در عینیت

جامعه است که منجر به فروپاشی نظام اجتماعی آن زمان شد و منافع اقتصادی قریش را به خطر انداخت. به بیان دیگر، علت این بود که محتوای دعوت پیامبر اکرم ﷺ از همان ابتدای بعثت بر مبنای حاکمیت مطلق خداوند و نفی حکومت اشراف قریش و اعلام مشروع نبودن سلطه آنان بر جامعه مکه شکل گرفت، نه اینکه حضرت تنها در پی ایجاد ایمان و اعتقاد به خداوند یگانه در قلب‌ها و ذهن‌ها و ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی در افراد باشد، چه اینکه بدون برقراری حکومتی الهی، اوامر خداوند، ارزش‌ها و مکارم اخلاقی ضمانت اجرایی نخواهند داشت.

آیت الله خامنه‌ای در این باره معتقد است:

حرکت انبیا، حرکت برای توحید است؛ اصلاً اساس کار دعوت انبیا، دعوت به توحید است. دعوت به توحید فقط به معنای این نیست که عقیده پیدا کنید که خدا یک است و دو نیست و این بت‌ها یا این خدایان - موجودی که هستند - ارزش الوهیت ندارند؛ فقط این نیست، عقیده به توحید، یک پایه و استوانه یا زمینه اساسی یک جهان‌بینی است که زندگی را می‌سازد. عقیده به توحید، یعنی جامعه توحیدی به وجود آوردن؛ جامعه‌ای که بر مبنای توحید شکل بگیرد و اداره بشود؛ اگر این نبود، دشمنی‌ها با انبیا هم به وجود نمی‌آمد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۶/۶).

به فرموده ایشان همچنان که در زمان طلوع اسلام در مکه که کانون بت‌پرستی بود، آیین حنیف ابراهیم نیز طرفدارانی داشت، لکن چون در اندیشه آنان، توحید فراتر از ذهن و دل و حداکثر فراتر از منش و عمل انفرادی، قلمروی نداشت، وجود آنان کم‌ترین تاثیری در فضای فکری و اجتماعی نمی‌نهاد و در آن بیراهه جاهلی حضور آنان مطلقاً احساس نمی‌شد. خاصیت این نگرش و برداشت ذهنی از توحید، همین بی‌خاصیتی و نداشتن نقش فعال در زندگی به‌ویژه در زندگی اجتماعی بود (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۵۳، ص ۶۹).

این مسئله در تفسیر آیات ناظر به ابتدای نزول قرآن بسیار دارای اهمیت است؛ در اینجا برای روشن شدن بهتر مطلب به بیانی از سید قطب استناد می‌شود. ایشان بر این نکته تأکید دارد که مفاد آیات در تبیین حقیقت توحید دو سویه بودن آن است: یک سویه

اثباتی و یک سویه نفی؛ امر به عبادت خداوند و نهی از عبادت غیر او: «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف، ۶۵) و «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ، إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ» (هود، ۲) سپس متذکر می‌شود که با وجود اینکه مفهوم صیغه دوم در مفهوم صیغه اول هست، زیرا وقتی امر کند بنده خدا باشید، مفهومش این است که بنده غیر خدا نباشید و در صورتی که انسان بندگی غیر خدا را بپذیرد، در همان حال امر به بندگی خدا را عصیان کرده است، ولی به سبب اهمیت مطلب و تأکید بر این حقیقت بزرگ به دلالت مفهومی اکتفا نکرده و به صراحت و نص از عبادت غیر خدا نهی کرده است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۱۹۳۵). وی سپس وارد تبیین حقیقت توحید شده و تأکید می‌کند توحید واقعی یعنی توحید در الوهیت، ربوبیت، ولایت، حاکمیت، مبدأ تشریح و توحید در منهج و سبک زندگی و مسیری که به حاکمیت خداوند منتهی شود. ایشان در تحلیل این مسئله می‌نویسد: تقسیم فعالیت‌های انسان به عبادات و معاملات متاخر گذشته از زمان نزول قرآن بوده و بیشتر بحثی فقهی است که به سبب رعایت جهاتی انجام گرفته است؛ اما برداشتی که از این تقسیم توسط بسیاری انجام گرفته، کاملاً ناروا و نادرست بوده است. آنها گمان کرده‌اند عبادات یعنی مواردی که میان خدا و مردم است و در نتیجه زمامش به عهده خداوند است و معاملات یعنی آنچه مربوط به روابط انسانی است و در نتیجه زمام آن از همه حیث در دست خود انسان است. این یک اشتباه گمراه کننده است؛ بنابراین وقتی به آیات امرکننده به عبادت خداوند و ناهی از عبادت غیر او رسیدند، فکر کردند همین که در قسم اول به دستورات الهی عمل کنند، مسلمان هستند و به این آیات عمل کرده‌اند؛ ولی در قسم دوم مطابق هر منهج و مکتبی عمل کنند، ربطی به مدلول این آیات و به مسلمانی آنان ندارد؛ این در حالی است که در قرآن اثری از این تفکیک نیست و مخاطبان زمان نزول قرآن هم هرگز چنین تفکیکی به ذهنشان خطور نمی‌کرد، بلکه زمان نزول این آیات در اوائل بعثت هنوز این مناسک تعبیدی واجب نشده بود و مخاطب از این آیات این را می‌فهمید که رشته تمام امور خود را به خداوند موکول کند و رشته بندگی غیر خدا را در همه امور از گردن خود بگسلد. در سخنان پیامبر اکرم ﷺ هم به صراحت عبادت به پیروی و اتباع تفسیر شده است، نه

صرف انجام مناسک تعبیدی؛ وانگهی اگر منظور از عبادت خدا و رویگردانی از عبادت غیر او همین مناسک تعبیدی بود که شایسته تحمل این همه زحمات و رنج‌ها و دردهای طاقت‌فرسا از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر مؤمنان در طول زمان نبود (ر.ک: سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، صص ۱۹۳۶-۱۹۳۸).

از این زاویه کلمه عبودیت در آیات اولیه زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از واژه‌های پربسامد است، به معنای اطاعت مطلق و سرسپردگی بی‌چون‌وچرا، و نه مناسک مرسوم عبادی معنا خواهد شد. در این رویکرد به توحید، معبود غیر خدا، فقط بت یا شیطان معهود نیست، بلکه در نگاهی وسیع‌تر معبودان دروغین شامل هوای نفس، قدرت‌های استبدادی، خرافات، آداب و رسوم، نظام‌های اجتماعی غلط یا نظریات علمی غیروحیانی و زر و زور نیز می‌شود.

۴-۲. تصحیح جهان‌بینی و پیش‌فرض‌های کلامی مفسر

تصحیح جهان‌بینی و پیش‌فرض‌های کلامی مفسر از کارکردهای فهم اجتماعی از توحید است؛ برای مثال اگر یکی از پیش‌فرض‌های مفسر توحید اعتقادی با کارکرد حداقلی در حوزه اجتماع باشد، با خوانش توحید اجتماعی این پیش‌فرض تصحیح می‌شود. نگارندگان معتقدند با فاصله‌گرفتن از زمان نزول قرآن و بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مفهوم صحیح توحید به‌عنوان اصولی‌ترین محتوای ادیان الهی، نزد نسل‌های بعدی کاملاً روشن نگشته و ابعادی از آن ناشناخته مانده است. در این باره می‌توان به رویکرد اندیشمندان متقدم در تفسیر آیات مرتبط با آموزه اعتقادی توحید اشاره کرد که بیشتر جنبه نظری و اعتقادی صرف دارد. موضوع و مضمون مشترک مباحثات، مناظرات و آثار ایشان پس از اثبات اصل وجود خداوند از روش برهان‌های مختلف، کیفیت اعتقاد قلبی انسان مسلمان درباره خداوند واحد بوده و به تناسب نیاز، به شبهات و انحرافات عقیدتی دیگر فرقه‌ها در زمینه توحید نیز پاسخ داده می‌شده است؛ ولی مهم آن است که در آرا و تفاسیر ایشان از آیات توحیدی، سخنی از جامعه و مسائل

اجتماعی نیست. توحید در اندیشه بیشتر متکلمان، عارفان و فیلسوفان، تنها یک عقیده نظری- فلسفی است و نهایت قلمرو آن، در تعیین تکالیف فردی، مناسک عبادی و نحوه رابطه انسان و خدا محدود است و اثر واقعی آن در زندگی اجتماعی انسان‌ها چندان روشن نیست؛ به عبارت دیگر این تعریف از توحید، امتداد و بازتاب اجتماعی نداشته یا در نهایت برخی ثمرات اجتماعی آن هم به شکل حداقلی و محدود خواهد داشت؛ بنابراین با حکومت ظالمان در جامعه قابل جمع است. موحدان متصف به این تعریف از توحید، هیچ‌گاه در پی یافتن راه برون‌رفت از بحران‌های اجتماعی، مبارزه با طاغوت، تحول و تلاش برای گسترش فرهنگ و حاکمیت توحیدی نیستند و بیشتر ثمره این نوع اعتقاد را در حیات پس از مرگ می‌دانند. این امر موجب گشته در بیشتر تفاسیر مرتبط با این رویکرد، دلالت‌های اجتماعی آیات توحیدی مورد غفلت قرار گیرد.

در بعضی دیدگاه‌ها نیز مفهوم توحید منحرف شده و از معنای حقیقی و اصیل خود دور مانده است؛ مانند برخی فرق صوفیه که بدون رعایت ضوابط تفسیری در تفاسیرشان، از توحید معنایی باطن‌گرایانه، ذوقی، مجازگونه و ناکارآمد و غیرمستند به ظاهر آیه ارائه می‌کنند. توحید اجتماعی، با استناد به ظهورات آیات و ارتکازات اجتماعی این پیش‌فرض‌ها را تصحیح می‌کند و توحید را به‌مثابه شناخت و اعتقاد عمل‌زا و زیربنای زندگی اجتماعی، به بدنه و ساختار جامعه می‌کشاند یا در تفاسیر لیبرال‌ها از قرآن که مبتنی بر نگاه هستی‌شناسی انسان‌مدار، انسان‌شناسی لذت‌گرا، فلسفه اجتماعی فردگرا و فلسفه حقوق تکلیف‌گریزند (معمار، ۱۳۸۵، ص ۹۸)، به انسان و آزادی و خرد او اصالت مطلق داده شده و دست خداوند از زندگی اجتماعی و سیاسی انسان کوتاه می‌شود. توحید اجتماعی با رد این نوع جهان‌بینی، نشان می‌دهد اصل توحید بر همه چیز مقدم بوده و خواست و اراده خداوند، فوق اراده و حاکمیت انسان‌هاست و هیچ حاکمیتی بدون تنفیذ الهی مشروع نیست و انسان در مقابل هر عملکرد فردی و اجتماعی در برابر خداوند مسئول است.

۵. تولید منطق جدید در فهم آیات

خوانش اجتماعی از توحید در طراحی و تولید منطق جدید در فهم آیات و جهت‌دهی در ساختار مبانی کلامی و اعتقادی مفسر موثر خواهد بود؛ همچنان‌که مبانی و روش‌های تفسیری مفسر در تبیین مفهوم توحید تاثیر گذاشته و منجر به نظرگاه‌های سلفی‌گرایانه در حوزه توحید عملی شده‌اند یا به تجسیم و تشبیه‌گرایی در حوزه توحید صفاتی دامن زده و به تأویل و باطن‌گرایی در حوزه توحید انجامیده‌اند یا با تلقی قرآن به‌عنوان محصولی ادبی و فرهنگی اثرات سوئی در توحید صفاتی داشته‌اند (ر.ک: ایماندار و مصطفوی فرد، ۱۳۹۸).

اهمیت این گفتگو زمانی بیشتر آشکار می‌شود که معتقد باشیم قرآن دربردارنده حقیقتی به نام توحید است. بر اساس بیان علامه طباطبایی در آیات اولیه سوره هود، قرآن معارف الهی، فضایل اخلاقی و احکامی درباره کلیات عبادات و معاملات و سیاسات و ولایت‌ها دارد. از اوصاف مخلوقاتی از قبیل: عرش، کرسی، لوح، قلم، آسمان، زمین، فرشتگان، جن، شیطان‌ها، گیاهان، حیوانات و انسان سخن می‌گوید و درباره آغاز خلقت و سرانجام آن حرف می‌زند و بازگشت همه را به فنا و به سوی خدای سبحان می‌داند و از روز قیامت و قبل از قیامت، یعنی از عالم قبر و برزخ و از روزی که همه برای رب العالمین و به امر او به پا می‌خیزند، خبر می‌دهد. همه اینها بر یک حقیقت تکیه دارد و آن حقیقت چون روح در تمامی آن معارف جریان می‌یابد و آن یک حقیقت، اصل، و همه اینها شاخه و برگ آنند، آن حقیقت، زیربنا و همه اینها که دین خدا را تشکیل می‌دهند، بر آن پایه بنا نهاده شده‌اند و آن حقیقت توحید حق تعالی است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، صص ۱۳۴-۱۳۵) فهم توحید با این رویکرد جدید اجتماعی کارکردهای زیر را در پی خواهد داشت:

۵-۱. توسعه قلمرو دلالتی و جامعیت آیات مربوط به علوم انسانی و حیثیت اجتماعی آن

توحید اجتماعی، افزون بر آیات مربوط به اسماء و صفات خداوند، قلمرو جامعیت

آیات قرآن در دیگر حوزه‌ها مانند اقتصاد، سیاست و اخلاق را بر اساس توحید گسترش داده، حیثیت اجتماعی می‌بخشد و ناظر به نیازها و ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... زندگی انسان، ثابت می‌کند که قرآن مرجع و تامین‌کننده تمام نیازهای فکری، هدایتی، علمی و تربیتی جوامع بشری تا روز قیامت است و در تمام برنامه‌های زندگی انسان اراده خداوند حاکم است. شاهد بر این مدعا آیه «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» (نساء، ۳۶) است که توحید اجتماعی از آن استفاده می‌شود، تعبیر «شَيْئًا» نکره در سیاق نفی است که عمومیت را افاده می‌کند، یعنی هیچ چیزی را شریک خداوند قرار ندهید. این نهی عام می‌تواند از قدرت‌ها و نظام‌های سیاسی شروع شده و شعاع آن روابط بینافردی و مناسبات خانوادگی و تعاملات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی را دربرگیرد. براساس این مبنا، تفسیر آیات دال بر مسائل اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و ... عمق بیشتری می‌یابد و دقیق‌تر خواهد بود.

البته روشن است که دستیابی مصداقی و عینی نفوذ و حاکمیت خواست و اراده خداوند در ساحت‌های یادشده، تلاش مضاعف مفسران با رویکرد اجتهادی، تشکیل تیم‌های فکری و احاطه بر مسائل روز اجتماعی و مدیریتی را می‌طلبد. با این مبنا معنای هدایت به راه راست و مسیرهای علمی سلامت و رهایی از ظلمات جهل و نادانایی روشن‌تر می‌شود، چنان‌که می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ به‌راستی شما را از سوی خدا نوری - پیامبر ﷺ - و کتابی روشن و روشن‌کننده - قرآن - آمده است، که خداوند به‌وسیله آن هر که را پیرو خشنودی او باشد به راه‌های سلامت راه می‌نماید و آنان را به خواست خود از تاریکی‌ها به روشنایی بیرون می‌آرد و به راه راست راه می‌نماید» (مائده، ۱۵-۱۶).

پس خداوند به برکت قرآن و پیامبر اکرم ﷺ، کسانی را که خشنودی او را دنبال کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد، و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید.

۵-۲. اتخاذ رویکردی اجتماعی در تفسیر آیات کلامی-اعتقادی براساس توحید

پیش فرض قراردادن توحید اجتماعی در منطق فهم و تفسیر آیات کلامی-اعتقادی، که بسیارند، موثر بوده و رویکرد جدیدی در تفسیر این دسته آیات ایجاد می‌کند و با عمق‌بخشیدن به استدلال و براهین عقلی، ظرفیت مرجعیت و جامعیت قرآن را در اسلامی‌سازی علوم انسانی آشکار خواهد ساخت. در این دسته آیات طبیعتاً در فهم دریافت مفسری که ماهیت اصلی توحید را که همان توحید اجتماعی است، پیش فرض قرار دهد با فهم مفسری که با پیش فرض نظری و اعتقادی صرف با رویکرد کلامی یا فلسفی محض به فهم و تفسیر آیات قرآن می‌پردازد، بسیار فاصله خواهد بود. توکل اجتماعی، صبر اجتماعی، شکر اجتماعی، امید اجتماعی به خداوند، انتظار اجتماعی، ولایت‌پذیری اجتماعی، اخلاص اجتماعی، سعادت و شقاوت اجتماعی، ثواب و عقاب اجتماعی، دفاع اجتماعی از آموزه‌های دین بر مبنای دو مولفه توحید ربوبی و عبودی و پرهیز از شرک اجتماعی نمونه‌هایی از این تغییرات خواهد بود که تنها در اثر فهم اجتماعی از توحید در تفسیر آیات مربوطه حاصل می‌شوند.

۶. نقش توحید اجتماعی در گرایش تفسیری؛ تولید تفسیر اجتماعی توحیدی

شکوفایی هر علم در گرو ارائه مدل‌ها و الگوهای جدید تحقیق در آن علم است. دانش تفسیر نیز از این قاعده مستثنی نیست و برون‌داد توحید اجتماعی می‌تواند در این حوزه نیز باشد. بدیهی است اکتفاء به روش‌های پیشین تفسیری به نوعی توقف در تفسیر و در پی آن محروم‌ماندن از معارف عمیق و جامع قرآن خواهد بود که کتاب هدایت و زندگی است. با توجه به رشد سریع علوم در تمام شاخه‌ها به‌ویژه علوم انسانی در زمان امروز، ایجاد روش یا گرایش تفسیری جدید در عین حفظ کیان قرآن به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی و حیاتی یا تکمیل روش‌های پیشین از رسالت‌های مهم قرآن‌پژوهان معاصر است تا بتوان با مراجعه به قرآن، به نیازهای زمان حاضر پاسخ داد. به نظر می‌رسد توحید اجتماعی در تحقق گرایش جدید در دانش تفسیر بتواند راهگشا باشد. زمانی که فهم

کلام خداوند، دلالت‌ها و مقاصد آیات قرآن را موضوع دانش تفسیر بدانیم، توحید اجتماعی ضمن توسعه مفهومی آیات و خارج ساختن تفاسیر آیات و فهم کلام خداوند از انحصار در بعد فردی و شخصی انسان، می‌تواند رهیافتی جدید در تفسیر اجتماعی را ایجاد کند. مفسر در گرایش اجتماعی تلاش می‌کند با تفسیر ناظر به مسائل، نیازها و اقتضائات زمانه و زمان خود پاسخ‌های قرآنی استخراج کند. با خوانش اجتماعی از توحید و نظر به حاکمیت روح توحید بر کل آیات قرآن، می‌توان پیشنهاد گرایش اجتماعی از تفسیر بر اساس توحید اجتماعی داد به این صورت که بر مبنای توحید اعتقادی و توجه به اصول و قواعد ادبیات عرب به میزان نیاز و ضرورت و با استناد به ظهورات آیات، براساس خوانش اجتماعی از توحید، ابعاد و زوایای اجتماعی جدیدی از آیات، تحلیل و تبیین و معنای وسیع‌تری از آیات ارائه کرد؛ برای مثال چهار امر در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها)، استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!» (آل عمران، ۲۰۰) را براساس توحید اجتماعی می‌توان گسترش داد، زیرا همه اوامر چهارگانه مترتب بر ایمان یا همان توحید شده‌اند: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ این، یعنی توحید چنین لوازمی دارد و امتداد اجتماعی می‌یابد.

لازمه این امر، ایجاد دانش لازم درباره توحید اجتماعی، تحلیل و نقد دیدگاه‌ها در تعریف تفسیر اجتماعی یا تفاسیر موجود اجتماعی و سپس طراحی الگو و طرح عملی، که البته این فرایند نیازمند هم‌اندیشی و بهره‌گیری از متخصصان شاخه‌های گوناگون علوم است.

۷. نقش توحید اجتماعی در غایت دانش تفسیر

بی‌شک سرانجام دانش تفسیر در فهم صرف و دانش‌افزایی بشر در زمینه معارف قرآنی و یا تدوین و تولید تفاسیر و گفتگو درباره آیات در نشست‌های علمی یا کلاس‌های فنی

و تخصصی نیست. قرآن کتاب هدایت و دستورالعمل زندگی انسان‌هاست و نیاز به این مسئله در دوران معاصر بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ از این رو موارد زیر را می‌توان برخی تاثیرات توحید اجتماعی در سرانجام دانش تفسیر دانست:

الف) به صحنه اجتماع آوردن قرآن و تفسیر آن همسو با نیازهای زمانه و تبدیل قرآن به برنامه و روش عملی زندگی اجتماعی؛

ب) عدم اکتفاء به فهم نظری قرآن و استنباط و آشکار کردن دلالت‌های اجتماعی آیات براساس توحید اجتماعی؛

ج) آشکارسازی مفهوم شرک اجتماعی و تعیین مصادیق عینی و امروزی آن؛

د) پیشبرد روش تفسیری شیعه با رویکرد اجتماعی به توحید با هدف رفع نیازهای نظری و عملی جوامع اسلامی؛

ه) فهم الگوهای کلان توحیدی قرآن بنیان برای ساحت‌های گوناگون زندگی انسان اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛

و) پاسخ به نیازهای عینی زندگی اجتماعی براساس آیات توحیدی؛

ز) رفع شبهات اعتقادی در چگونگی تحقق نصرت و یاری خداوند با محوریت قرآن؛

ح) زمینه‌سازی برای گسترش مفهوم متعالی توحید قرآنی در بدنه زندگی؛

ط) ارائه منطق جدید در فهم و عملیاتی‌سازی کلام اجتماعی و کاربردی براساس قرآن؛

ی) استخراج مبانی، اصول و قواعد شکل‌گیری تمدن اسلامی قرآن‌بنیان.

نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داد تجدید نظر در تحلیل معنای توحید و فهم اجتماعی از آن بر مبنای آیات قرآن، با تاثیرگذاری در مبانی و مباحث مقدماتی و پیشینی دانش تفسیر، هویتی اجتماعی به این دانش بخشیده، و با تصحیح پیش‌فرض‌های مفسر و تاثیر در مبادی آن، اهداف و غایات این دانش را متحول خواهد ساخت. توحید اجتماعی می‌تواند با تولید منطق فهم آیات، به‌ویژه آیات توحیدمحور و آیات کلامی لایه‌های معنایی جدید و

دلالت‌های اجتماعی از این دسته از آیات را آشکار کند و قلمرو جامعیت و مرجعیت قرآن در علوم انسانی را توسعه دهد.

حاصل اینکه این رویکرد جدید در توحید، زمینه‌ساز گرایش‌های جدید در دانش تفسیر با محوریت توحید خواهد بود و ظرفیت‌های این علم را در پاسخگویی به مسائل و شبهات روز گسترش خواهد داد. طبیعتاً لازمه این امر هم‌اندیشی تیم‌های متشکل از اندیشمندان و پژوهشگران قرآنی و کارشناسان حوزه اجتماعی است.

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (محقق: علی عبدالباری، ج ۱۰). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). بحرالمحیط فی التفسیر (ج ۱). بیروت: دارالفکر.
۳. ایماندار، حمید؛ مصطفوی فرد، حامد. (۱۳۹۸). مبانی و روش های تفسیری و نقش آن در تبیین مفهوم توحید. آموزه های قرآنی، ۱۶ (۲۹)، صص ۱۱۵-۱۴۰.
۴. بغوی شافعی، حسین بن مسعود. (۱۴۱۵ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (محقق عبدالرزاق المهدی، ج ۳). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵. پیشوایی، مهدی. (۱۳۹۷). تاریخ اسلام. قم: نشر معارف.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). جامعه در قرآن: تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: اسراء.
۷. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۵۳). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۶/۶/۶). بیانات: در دیدار طلاب حوزه های علمیه استان تهران. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری. B2n.ir/f58566
۹. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۵). مجموعه مقالات فلسفه های مضاف (مقاله فلسفه مضاف، علی اکبر رشاد، فلسفه تفسیر، حمید خدابخشیان، ج ۱). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. ذهبی، محمدحسین. (بی تا). التفسیر و المفسرون (ج ۱). قاهره: مکتبه وهبه.
۱۱. رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۳). فلسفه دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. زرکشی، بدرالدین. (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن (ج ۱). بیروت: دارالمعرفه.
۱۳. زمخشری، محمود. (۱۴۲۱ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل (محقق: عبدالرزاق المهدی، ج ۳). بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۴. سیدقطب. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن (ج ۴، چاپ سی و پنجم). بیروت: دار الشروق.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۱). تفسیر القرآن الکریم (صدرا) (ج ۴). قم: بیدار.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۱۰). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (محقق: محمدجواد بلاغی، ج ۷). تهران: ناصر خسرو.
۱۹. طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۲). مجمع‌البحرین (محقق: سیداحمد حسینی، ج ۳). تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
۲۰. عرب‌صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده. (۱۴۰۱). تحلیل معنای توحید اجتماعی از رهگذر تبیین مؤلفه‌های آن در قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه مطالعات تفسیری و معناشناختی قرآنی مفتاح، ش ۱۵، صص ۲۵-۵۰.
۲۱. عرب‌صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده. (۱۴۰۱). توحید اجتماعی، ماهیت، تعریف و نسبت آن با توحید اعتقادی. فصلنامه قیسات، ۲۷ (۱۰۴)، صص ۹۹-۱۲۴.
۲۲. فخرالدین رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح‌الغیب (ج ۲۴). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). معارف قرآن ۱-۳، خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی. قم: مؤسسه امام خمینی علیه‌السلام.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار (ج ۲۶، ۲۸). قم: صدرا.
۲۵. معمار، رحمت‌الله. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی نظریه‌های لیبرال دموکراسی و مردم‌سالاری دینی از منظر امام خمینی. پژوهشنامه متین، شماره ۳۸، صص ۹۷-۱۲۱.
۲۶. نصیری، علی. (۱۳۸۵). نقش پیش‌فرض‌ها و مبانی کلامی در فهم و تفسیر آیات قرآن. اندیشه نوین دینی، شماره ۴ و ۵، صص ۵۵-۷۲.

References

* The Holy Quran

1. Alousi, M. (1415 AH). *Rooh al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani* (Researcher: Ali Abdulbari, Vol. 10). Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
2. Abuhayan, M. (1420 AH). *Bahr al-Muhit fi al-Tafseer* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
3. Arabsalehi, M., & Pishwa'ei, F. (1401 AP). Analyzing the meaning of social monotheism through the explanation of its components in the Qur'an with an emphasis on the thoughts of Ayatollah Khamenei. *Miftah Quranic Exegetical and Semantic Studies*, (15), pp. 25-50. [In Persian]
4. Arabsalehi, M., & Pishwaei, F. (1401 AP). Social monotheism, its nature, definition and relationship with religious monotheism. *Qabasat*, 27(104), pp. 124-99. [In Persian]
5. Baghvi Shafei, H. (1415 AH). *Maalam al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'an* (A. al-Mahdi, Ed, Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
6. Fakhreddin Razi, M. (1420 AH). *Mafatih al-Ghaib* (Vol. 24). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
7. Imandar, H., & Mostafavifard, H. (1398 AP). Basics and methods of interpretation and its role in explaining the concept of monotheism. *Quranic teachings*, 16(29), pp. 115-140. [In Persian]
8. Javadi Amoli, A. (1388 AP). *Society in the Qur'an; Thematic interpretation of the Holy Quran*. Qom: Israa. [In Persian]
9. Khamenei, S. A. (1353 AP). *Outline of Islamic thought in the Qur'an*. Qom: Farhang Islamic Publishing Office. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (1396 AP). *Statements: In the meeting of seminary students of Tehran province. From: Office of Preservation and Publication of the Works of the Supreme Leader*. B2n.ir/f58566. [In Persian]

11. Khosropanah, A. (1385 AP). *A collection of articles on Mozaf philosophies* (Mozaf philosophy essay, Ali Akbar Rashad, philosophy of interpretation, Hamid Khodabakhshian, Vol. 1). Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. [In Persian]
12. Memar, R. (1385 AP). A comparative study of the theories of liberal democracy and religious democracy from the perspective of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*, (38), pp. 121-97. [In Persian]
13. Misbah Yazdi, M. T. (1392 AP). *Quranic teachings 1-3, theology, cosmology, anthropology*. Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
14. Motahari, M. (1389 AP). *Collection of works* (Vols. 26, 28). Qom: Sadra. [In Persian]
15. Nasiri, A. (1385 AP). The role of presuppositions and theological foundations in understanding and interpreting the verses of the Qur'an. *New Religious Thought*, 4 & 5, pp. 55-72. [In Persian]
16. Pishwaei, M. (1397 AP). *History of Islam*. Qom: Ma'aref Publications. [In Persian]
17. Rashad, A. A. (1383 AP). *Philosophy of religion*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
18. Sadr al-Din Shirazi, M. (1361 AP). *Tafsir al-Qur'an al-Karim* (Sadra) (Vol. 4). Qom: Bidar. [In Persian]
19. Seyyed Qutb. (1425 AH). *Fi Zilal al-Qur'an* (Vol. 4, 35th ed.). Beirut: Dar al-Shorouq. [In Arabic]
20. Soyouti, J. (1421 AH). *Al-Itqan fi Olum al-Qur'an* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiya. [In Arabic]
21. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (M. J. Balaghi, Ed. Vol. 7). Tehran: Nasser Khosro. [In Persian]
22. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 1 & 10). Beirut: Mu'asisah al-A'almi le al-Matbu'at. [In Arabic]

23. Tarihi, F. (1362 AP). *Majma' al-Bahrain* (S. A. Hosseini, Ed., Vol. 3). Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Persian]
24. Zahabi, M. H. (n.d.). *Al-Tafseer va Al-Mufaserun* (Vol. 1). Cairo: Wahba School.
25. Zamakhshari, M. (1421 AH). *Al-Kashaf an Haqa'iq Qawamiz Al-Tanzil va Oyoun Al-Aghawil fi Vojouh Ta'awil* (A. Al-Mahdi, Ed., Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
26. Zarkashi, B. (1410 AH). *Al-Burhan fi Olum al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic]

۲۱۳

مُطَالَعَاتُ عِلْمِ الْوَرِثَانِ

کارکرد «توحید اجتماعی» در فلسفه دانش تقسیم